



۲۰۱۶/۰۶/۱۲



نجیب داوری

## شهید داود خان و بند سلما

در تاریخ معاصر افغانستان ایده، تاسیس، اعمار و بلاخره افتتاح هر پروژه زیربنایی و عام المنفعه بخواهیم- نخواهیم به نام دو شخصیت وطنپرست و ملت دوست چون شاه امان الله و شهید سردار محمد داوود خان گره خورده است. کار سروی- دیزاین و اعمار بند آبگردان سلما که در عصر فرخنده جمهوری شهید داود خان آغاز شد، قرار بود در سال ۱۳۶۱ هجری شمسی به بهره برداری سپرده شود. اما با درد و اندوه که کار اعمار بند مذکور با کودتای خونین ثور متوقف و بلاخره مدتها بعد از شهادت داوود خان بار دیگر کار اعمار آن توسط دوستان هندی تعقیب و بعد از مشکلات زیاد بلاخره چندی قبل توسط اشرف غنی رئیس جمهور افغانستان و ناریندرا مودی صدراعظم هند در حالی افتتاح شد که در جریان مراسم افتتاح بند مذکور نه عکسی از داوود خان بملاحظه میرسید و نه هم یادی از وی بعمل آمد. بناً خیلی بجا میبود که در پهلوی عکس های اشرف غنی و ناریندرا مودی فوتو های از شهید داوود خان نیز در گوشه و کنار شهر هرات و ساحه بند سلما زینت بخش محفل افتتاح بند مذکور میشد. تا از یکسو قدرانی از کار کرد های شهید داوود خان بعمل میآمد و از سوی دیگر عرق سردی به پیشانی کسانی میبود که با اجرای کودتای نا بخردانه علیه داوود خان حد اقل افغانستان را نیم قرن از کاروان تمدن جهان به عقب راندند. به حواله یکی از انجینیران بند مذکور، در نخستین سال شروع کار تعمیر بند، تعدادی از انجینیران هندی بنا به خصوصیت فردی که خاصه بعضی از انسانها است، از انتقال دانش و تجارب ساخت و ساز بند به انجینیران افغانی آبا ورزیده و بعضی از نکات تخنیکی و مهم را که انجینیران افغانی در مورد تجارب کمتر داشتند، به تنهای و بدور از چشم افغانها اجرا میکردند. با آنکه در مکاتیب رسمی وزارت آب و برق به انجینیران هندی گوشزد شده بود که در پهلوی دیگر وظایف انتقال دانش به انجینیران افغانی را نباید فراموش کنند. ولی مثل اینکه انجینیران هندی به این نکته متوجه نشده بودند. معلوم نیست که این موضوع از کدام طریق و چگونه به داوود خان منتقل شده بود. در سال ۱۳۵۶ شهید داوود خان هنگام بازدید از شهر هرات از جریان کار بند سلما نیز دیدن نموده و ضمن بیانیه مختصر در حالیکه تمام کارگران و انجینیران افغان و هندی حضور داشتند به موضوع فوق تماس گرفته و گفت: «شکایاتی وجود دارد که بعضی از انجینیران و دوستان هندی در امر انتقال دانش تخنیکی به دوستان افغانی آبا ورزیده و بعضی از کار های تخنیکی را درخفا و بدور از چشمان انجینیران افغان انجام میدهند. امید وارم که چنین شکایات حقیقت نداشته باشد، ولی اگر حقیقت باشد به انجینیران هندی گوشزد میکنم که ما وقتاً فوقتاً از اجراء شما به مقامات رسمی کشور تان راپور میدهیم، در صورتیکه اگر شما از انتقال دانش به دوستان افغانی تان آبا ورزیده، ما مجبور خواهیم بود که چنین موضوع را به مقامات رسمی کشور شما راپور و جای شما را به انجینیرانی که با دوستان افغانی شان صادق باشند عوض نمایم. از سوی هم به انجینیران کشور دوست وعده میدهم در صورتیکه بتوانند دانش شانرا طور شاید و باید به انجینیران افغان انتقال و دوستان افغانی را در ساخت و ساز بند چنان کمک نمایند که در ساخت بند های بعدی بدون حضور داشت شما، ما خود بتوانیم بند های آبگردان کشور خود را بسازیم، بعد از ختم ساخت این بند مکافات و پاداش های زیادی به انجینیران هندی منحیث دوستان صادق اعطا خواهد گردید.» انجینیر مذکور اضافه میکند که بعد از این دیدار داوود خان از بند سلما و حرفهای اخطار گونه داوود خان به انجینیران هندی، انجینیران مذکور بعداً هرگز نکات عمده تخنیکی را از انجینیران افغان کتمان نکردند. مگر افسوس که این بند بوقت و زمان معین بدست داوود خان افتتاح نگردید، تا بوعده اش به انجینیران هندی وفا میکرد.

اضافه میگردد که تنها در بخش زراعت- آبیاری و تولید برق به اساس پلانهای هفت ساله انکشافی رژیم محمد داوود قرار بود تا ختم پلان هفت ساله دوم یعنی سال ۱۳۶۹ شمسی کار اعمار بند های آبگردان و تولید برق کله گی در بغلان، کمال خان در نیمروز، گمبیری در ننگرهار و خروار در لوگر نیز اکمال و به بهره برداری سپرده شود که به اساس آن مردم افغانستان نه تنها از بابت تولید مواد غذایی و برق خود کفا میشدند، بلکه افغانستان به یکی از کشورهای عمده صادر کننده گندم و برق نیز مبدل میگردد. ولی متأسفانه که دستی از شمال در قالب دوستی مغرضانه و فریب روشنفکر نما های کوتاه بین، این فرصت را از مردم افغانستان گرفت و ملت ما را برای سالهای متمادی دیگر با درد ها و غم ها دست و گریبان ساخت. از تبعات دیگر کودتای ثور در بخش مدیریت و مهار آبهای افغانستان اینست،

د پانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

پادونه: دليکنې د ليکنيزې بڼې پاروالي د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليږلو مخکې په خیر و لولئ

که امروز همسایه های شرقی و غربی ما بدون هرگونه شرم و خجالتی ادعای حاکمیت آبهای ما را میکنند. در حالیکه قبل از کودتای ثور بجز از مسئله آب دریای هلمند، که آنهم به تدبیر مرحوم محمد موسی شفیق حل و فصل شده بود، دیگر کدام ادعای بالای آب رود هریرود از سوی ایران و آب دریای کابل-کنر از سوی پاکستان قطعاً وجود نداشت. در جریان سالهای هفتاد میلادی در حالیکه دولت افغانستان طرح مهار دریا های کنر و کابل را رویدست داشت و با آنکه دولت ذوالفقار علی بوتو صدراعظم وقت و دولت پاکستان خوب میدانستند که مهار دریا های مذکور در داخل افغانستان بالای سیستم آبیاری در داخل پاکستان بخصوص در ایالت شمال سرحد تأثیر ناگوار خواهد داشت؛ مگر علی بوتواز ترس داوود خان صدایش را نمیتوانست در آورد. ولی حالا این پاکستان است که دم از حاکمیت آب دریا های کابل و کنرا میزند.

از سوی دیگر با افتتاح بند آبگردان سلما بعضی از حلقات ایرانی سرو صداهای را راه انداخته و ادعا دارند که افتتاح بند مذکور مقدار آب را در بند دوستی و ساحات ولایت مشهد ایران کاهش خواهد داد. یاد آوری میگردد که اعمار بند آبگردان سلما درست چهل سال قبل آغاز، و هدف آنهم مهار آب دریای هریرود در داخل افغانستان بود، بنأ دولت های ایران و ترکمنستان که بعداً و در جریان دهه نود میلادی دست به اعمار بند مشترک بنام دوستی بالای دریای مذکور زدند و دشت های لامزروع را تحت آبیاری قرار دادند، این را خوب میدانستند که حق اولیت استفاده از آب دریای مذکور متعلق به افغانها بوده و از کار اعمار بند سلما بالای دریای هریرود که بعداً نسبت جنگ داخلی متوقف شد، نیز خوب خبرداشتند. بنأ ساخت بند دوستی توسط دوکشورمذکور جز ماجرا جویی، چیز دیگری نبوده و افغانستان هیچگاه متعهد به تأمین آب بند مذکور نخواهد بود.

آب دریا ها و رودخانه های کابل، کنر، هلمند، هریرود، خاشرود، قسماً آمو و غیره که از برفها و باران های باریده شده در داخل افغانستان سرچشمه میگیرند؛ صاحب قاطع و بلامنازع آن مردم افغانستان میباشد. مردم افغانستان حق دارند که از آب دریای های کشورشان در سطح بسیار وسیع در امر زراعت و تولید برق هرطوریکه دل شان بخواهد، سود برده و در حصه خروج آب مازاد به کشورهای همسایه نیز با کشورهای مذکور محاسبه بعمل آورند. بنأ در حالیکه کشورهای ایران و ترکمنستان دارای ذخایر بزرگ نفت و گاز بوده و از صدور حتی یک لیتر تیل و یک سانتی متر مکعب گاز شان به افغانستان پول درخواست میکنند؛ ما هم حق داریم تا از صدور حتی یک لیتر آب مازاد خویش به کشورهای همسایه از ایشان پول طلب کنیم. از سوی هم این عادلانه نخواهد بود که همسایه گان از سود آب دریا های ما گندم و برنج صادر کنند ولی همزمان مردم کشور ما در قحطی و گرسنگی بسربرده و ما نتوانیم از آب دریا های کشور خود در تولید گندم و جواری در دشت های بیکران سرزمین ما استفاده نمائیم.

### تا جهان باقیست روح آن مدبر شاد باد

دشتهای ما دگر خشکیده و بی آب مباد  
هر و جتیب از خاک ما خالی زین هر دو مباد  
چشم نرگس باد روشن خاطر شمشاد شاد  
کار بند پایان یافت و چشمها در بند فتاد  
خانه های قلب ما از تاریکی آزاد باد  
آفرین بر عقل و راییش چه بجا بنیاد نهاد  
تا جهان باقیست روح آن مدبر شاد باد  
قطع شد از سوی اغیار دست ما با صد عناد  
روح شان از لطف ایزد هیچگاهی دور مباد  
حبذا این دوستی و مرحبا دست گشاد  
هرکسی اینرا نمیخواهد بود جاییش در لحد  
چشم تنگ حاسدانش دایما در گور باد  
ملت افغان و هند از هر گزند آزاد باد

آب و برق آمد امروز جملگی گردید شاد  
آب و برق سرچشمه صد گونه آسایش بود  
آبها گردید رام - شد روان در جویبار  
انتظار ما چهل سال تمام در بند بود  
چشم ما از نور برق روشن و پر نور گشت  
حضرت سردار داوود منبع این فیض بود  
بود این تدبیر خوب از بهر سر سبزی ملک  
هر زمان با شوق اندر کار این بنیاد شدیم  
صد جوان ما درین ره جان خود ایثار کرد  
حالیست دست پراز مهر شد همکار ما  
هند و افغان دوستداران هم اند در قرنهای  
کابل و دهلی بسان دو برادر باهم اند  
از خدا خواهم دوام دوستی ها تا ابد

«داوری» دارد امیدی از خداوند حکیم

ملت افغان همیشه سربلند و شاد و راد

پایان

د پانو شمیره: له 2 تر 2

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکني د ليکنيزي بني پازوالي د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليزلو مخکي په خبر و لولئ